



A Qualitative Approach to Spirituality and Its Role in Socially Active Ethics of Clergy from the Perspective of Clerics

Majid Jafarian*

Abstract

In the context of religious ideologies, a cleric is defined as someone who has the ability to bridge the sacred and social realms through spirituality. When ethics is considered a fundamental principle in the socially active behavior of clergy, spirituality becomes a significant indicator of this principle. Shia clerics, as a reference group, have not been an exception to this general rule throughout their lives. This research aims to explore the interpretations of clerics regarding the role of spirituality in their socially active ethics in the current society. The study employs a qualitative approach and utilizes thematic analysis to analyze the data. Semi-structured interviews were conducted with 20 active clerics in cultural, social, and administrative domains in Isfahan city, selected through purposive sampling. The analyzed data revealed six valuable role organization themes: professional validation, interventionism, interactive relationship, social commitment, and ethical flexibility, as well as three overarching themes: professional identity consolidation, ethical performance improvement, and ethical resilience.

Keywords

Spirituality, ethics, social activism, Clergy, qualitative approach.

*Assistant Professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
m.jafarian@isca.ac.ir

رویکردی کیفی به معنویت و نقش آن در اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت از نگاه روحانیون

مجید جعفریان*

چکیده

در سابقه ایدئولوژیک ادیان، روحانی کسی است که توان ایجاد رابطه میان امر قدسی و امر اجتماعی را به واسطه معنویت دارد. در صورتی که اخلاق در کنشگری اجتماعی روحانیت، یک اصل تلقی شود، معنویت از شاخص‌های مهم این اصل خواهد بود. روحانیت شیعه نیز طی حیات خود به‌عنوان یک گروه مرجع، از این قاعده عمومی مستثنا نبوده است. با این نگاه، هدف از این پژوهش، پاسخ‌دادن به این پرسش است که روحانیون چه تفسیری از نقش معنویت در اخلاق کنشگری اجتماعی‌شان در جامعه فعلی دارند. رویکرد در این پژوهش کیفی بوده و از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌های تجربی با بیست روحانی فعال در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اداری شهر اصفهان که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه نیم‌ساختاریافته انجام شد. داده‌های تحلیل شده نیز در قالب شش مضمون سازمان‌دهنده ارزشمندی نقش، تأیید حرفه‌ای، مداخله‌گری، رابطه تعاملی، تعهد اجتماعی و انعطاف‌پذیری اخلاقی و

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.



سه مضمون فراگیر تثبیت هویت حرفه‌ای، بهبود عملکرد اخلاقی و تاب‌آوری اخلاقی سامان یافت.

کلیدواژه‌ها

معنویت، اخلاق، کنشگری اجتماعی، روحانیت، رویکرد کیفی.

مقدمه

گرین معتقد است علم، اقتصاد و منفعت شخصی را فاقد زمینه کافی برای توسعه پایدار یا تداوم نظم جهانی کرده و در این موقعیت، اخلاق، معنویت و ارزش‌ها باید برای کمک به پایداری در میان ملت‌ها گرد هم آیند. به نظر گرین، دهه‌های آینده میزان مشکلات و تغییرات بزرگی خواهد بود و ما به افرادی نیاز داریم که با روحیه و اخلاق تصمیم بگیرند تا مرحله بعدی بشریت را هدایت کنند» (Fluker, 2008, p. 8). تأکید گرین بر لزوم وجود افراد معنوی در دنیای جدید، دال اصلی و برگرفته از نگاه فراگیر ادیان به وجود روحانیون در آنهاست. در نگاه ادیان، روحانی، اسقف، پاپ و... عمدتاً مظهر تقوا و پیونددهنده مؤمنان به خداوند و پیامبران هستند. روحانیت شیعی نیز در نگاه عمومی از این ویژگی (پیوند با معنویت) برخوردار بوده و به دلیل اهمیت آن، تلاش‌های زیادی از طرف سازمان روحانیت برای حفظ و تقویت چنین خصلتی درون حوزه‌های علمیه قبل و بعد از انقلاب شده است.

دست کم گزارش‌ها از زندگی بزرگان شیعه نشان می‌دهد که چه میزان از کنشگری اخلاقی و به تبع محبوبیت روحانیون در حوزه عمومی و بین مردم به خاطر جذبه‌ای بوده که در اعمال، رفتار و کنش‌های معنوی فردی و سلوک‌های شخصی‌شان وجود داشته است. در همین راستا، داستان‌ها و حکایات فراوانی درباره ضرورت معنویت برای روحانیت، شیوه‌های کسب معنویت و راه‌های سیر و سلوک عرفانی و معنوی روحانیون و علمای دینی، مداخلات معنوی روحانیت در زندگی



مردم، حل مشکلات عامه و غیره نقل شده و کتاب‌های متعددی درباره آن نگاشته شده است (ر.ک: مختاری، ۱۳۸۶؛ جرفادقانی، ۱۳۸۴؛ عسکری، ۱۳۸۴).

مروری بر دیدگاه‌های سنتی و روشنفکری درباره روحانیت نشان می‌دهد که همگی بر ضرورت معنویت در این سازمان تأکید کرده‌اند. امام خمینی به عنوان مؤسس انقلاب و شخصیتی که تأکید جدی بر نقش روحانیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی داشت، معتقد بود: «من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت» (www.jamran.news/fa/tiny/news-867522).

مرتضی مطهری از روحانیون برجسته قبل و بعد از انقلاب، دیدگاه‌های متفاوتی درباره سازمان‌بودن یا نبودن روحانیت داشت و معتقد بود تا زمانی که روحانیت به سازمان‌های حاکمیتی وابسته باشد، توان مقابله با بی‌عدالتی را نخواهد داشت (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۱). مطهری اما به نقل از الگار که معتقد بود «روحانیت شیعه همیشه از نظر معنوی، متکی به خدا و از نظر روابط اجتماعی، متکی به مردم است» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۷۴). او به این نکته باور داشت که معنویت پایه‌های روحانیت شیعه را مستحکم‌تر و آن را از دیگر سازمان‌های روحانی از جمله اهل سنت جدا کرده است.

علی شریعتی با تمرکز بر نقش شیعه در بازسازی تفکر مذهبی و ارتباط آن با استعمار بر این باور بود که:

این رهبران و متفکران اسلامی بودند که بیش از همه با زبان معنوی و مذهبی خودشان و توده مردم و نسل خودشان (برخلاف روشنفکران فرنگی‌مآب امروز) تفاهم و تبادل فکری داشتند. اعلام خطر کردند که اروپاییان نیامدند که فقط غارت مس و طاس و نفت و پنبه و کتان کنند و منابع زیرزمینی و معادن گران‌بها را به یغما ببرند... اولین بار این‌ها بودند که در برابر امپریالیسم می‌ایستادند، برخلاف رهبران





ملی نهضت‌های ضداستعماری، مبارزه ضداستعماری‌شان را تنها در بُعد اقتصادی و سیاسی محدود نکردند، بلکه یک زیربنا و پشتیبان فکری و ایدئولوژی و معنوی هم داشتند و استعمار را در همهٔ چهره‌هایش شناختند؛ به‌خصوص در پنهانی‌ترین و مهیب‌ترین جناح هجوم و نفوذش، یعنی جناح فکری و معنوی و اخلاقی و علمی یعنی فرهنگی‌اش، با او درگیر شدند. اینان با یک سلاح فرهنگ و فکر در برابر غرب ایستادند (شریعتی، ۱۳۸۴، ص ۸۲۸۳).

در گامی نزدیک‌تر، محمدتقی مصباح یزدی در سخنرانی‌ای که سال ۱۳۹۷ در جمع کانون اساتید طلوع ارائه کرد، با اشاره به بند ۲ (تأکید بر معنویت و اخلاق) از بیانیهٔ گام دوم انقلاب، بر این باور است که:

...مخاطب اصلی این بند، روحانیت باشد، و آن‌ها هستند که باید اخلاق و معنویت را ترویج کنند؛ به عبارتی، نمی‌توان از کارمند و کاسب و دیگران انتظار داشت که آن‌ها وظیفهٔ اصلی خود را کار در این زمینه قرار دهند، بلکه چنین مسئله‌ای وظیفهٔ مهم روحانیت است. در واقع، روحانیت باید حقیقت اخلاق و معنویت از منظر اسلام را تبیین کند؛ نه آن معنویتی که مشترک بین مسلمان و بت‌پرست است. مراد از اخلاق هم صرفاً خوش اخلاقی و خوش‌برخوردی با دیگران نیست که اختصاص به دین نداشته باشد (B2n.ir/s85002).

بدون تردید، مرور این دیدگاه‌ها و نیز مشاهدهٔ رشد فزایندهٔ توقعات عمومی از روحانیون در شرایط جدید اجتماعی ایران نشان می‌دهد مطالعهٔ معنویت به‌عنوان کانونی‌ترین مسئله و تأثیرگذارترین عنصر در تعاملات و مواجهات روحانیون با جامعه، یک ضرورت اساسی است؛ اینکه معنویت در کدام ابعاد و چگونه توانسته است خلأهای اخلاقی روحانیت را ترمیم و تکمیل و به حفظ و ثبات و پایداری این سازمان در جامعه و به نفع جامعه کمک کند. از این رو، پرسش اصلی در این پژوهش این است که روحانیون در مواجهات اجتماعی و در چارچوب فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، چه تفسیری از نقش معنویت در زیست اخلاقی‌شان در جامعه دارند. در

واقع، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی به دنبال بر ساخت تفسیر نگاه روحانیون از نقش معنویت در اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت است؛ رویکردی که استفاده از آن می‌تواند ابعاد گسترده‌تری از یک مسئله اخلاقی را برای پژوهش‌های ناظر به این حوزه در آینده رقم زند.

بررسی مطالعات پیشین در این زمینه نشان می‌دهد پژوهشی که با رویکرد کیفی و به‌طور خاص به نقش معنویت در اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت از نگاه روحانیون پرداخته باشد، انجام نشده است؛ اگرچه در برخی از پژوهش‌هایی که درباره روحانیت انجام شده، «معنوی بودن» به عنوان یک ویژگی خاص، بسیار برجسته است. به‌طور مثال، علی‌اشرف فتحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «حوزه علمی تهران از عصر قاجار و پهلوی تا امروز؛ عقلانیت و معنویت در روحانیت تهران» تلاش کرده با گذری به تأسیس حوزه علمی این شهر از زمان آقامحمدخان قاجار تا نقش این حوزه در امور سیاسی پس از انقلاب ۵۷ و با طرح دو مقوله عقلانیت و معنویت کنار یکدیگر، نشان دهد که هیچ‌گاه حوزه علمی تهران از این دو عنصر خالی نبوده و در دوره‌های مختلف، معنویت همواره عقلانیت را نیز به کمک حفظ و تقویت چنین نظام حوزوی آورده است. شریعتی و فروغی (۱۳۹۲) در پژوهشی کیفی با عنوان «عوامل و انگیزه‌های جامعه‌شناختی ورود طلاب به حوزه علمی» به بررسی انگیزه‌های جوانانی پرداخته‌اند که برای ادامه تحصیل به حوزه‌های علمی آمده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دو دسته عوامل بیرونی و درونی در ایجاد انگیزه افراد برای طلبه‌شدن نقش داشته و معنویت، هم به‌لحاظ درونی و هم به‌عنوان یک عامل بیرونی، جایگاه ویژه‌ای در طلبه‌شدن افراد داشته است. سخاوتی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «رسالت تاریخی حوزه‌های علمی در تدوین دکترین معنویت؛ با تأکید بر نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی» به این موضوع که معنویت در جهان امروز به مسئله‌ای در تعلق به دین یا ضدیت با دین تبدیل شده و انسان مدرن مشتاق کسب معنویت‌های جدید بوده و رقابت مکاتب در



معرفی معنویت به دنیا و تعمیق آن بسیار زیاد شده، اشاره کرده‌اند و براین اساس، مطالعه رابطه معنویت و رسالت حوزه‌های علمیه را بر مبنای نگاه آیت‌الله خامنه‌ای یک ضرورت اساسی قلمداد کرده و با اشاره به مستندات نشان داده‌اند که سازمان روحانیت با توجه به چه مؤلفه‌هایی می‌تواند نگاهی نو به معنوی کردن نسل جدید داشته باشد. در نهایت، حسن دانایی‌فرد و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تبیین بایسته‌های ایجاد تحول در مجامع علمی؛ بررسی موردی سیره علامه طباطبایی (ره) در ایجاد تحول در حوزه علمیه قم» با اشاره به اینکه تحول علمی در اسناد بالادستی متعددی مورد توجه قرار گرفته است، بر تحول علمی در حوزه‌های علمیه تأکید کرده و تلاش کرده‌اند با برجسته‌سازی ویژگی‌های شخصیتی علامه طباطبایی به این پرسش اساسی پاسخ دهند که چگونه این شخصیت به عنوان یک الگو موجب چنین تحول علمی در حوزه‌ها شده است. دانایی‌فرد و همکارانش معتقدند تدریس در حوزه‌های علمیه ارتباط وثیقی با معنویت دارد و این چیزی است که در جلسات درس علامه نقش اساسی داشته و موجب تحول و ثمرات فراوانی شده است.

۱. چارچوب مفهومی

بدون تردید، پرداختن به مطالعات تجربی ناظر به رابطه اخلاق و معنویت و ارائه صورت‌بندی از آن، می‌تواند به لحاظ نظری، ذهنیت بهتری در فهم مسئله پژوهش به دست دهد. در هر صورت، اخلاق، معنویت و دین به عنوان سه مفهوم تأثیرگذاری است که دیدگاه‌های نظری درباره آن‌ها هم مؤمنان و هم سازمان‌ها و رهبران دینی را شامل می‌شود. در این بخش به طرح دیدگاه‌هایی پرداخته می‌شود که نشان می‌دهد چگونه معنویت می‌تواند بر اخلاق تأثیرگذار باشد. باین حال، پیش از هر چیز طرح رابطه دین و معنویت از برجستگی جدی برخوردار است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد همواره واژه معنویت در کنار دین برای غالب مردم، چه مؤمن و چه





غیرمؤمن، جایگاه مهمی داشته است. هرچند دین عموماً به عنوان یک نظام اعتقادی سازمان یافته در ارتباط با خالق قدرتمند تعریف می شود و خاستگاه بسیاری از کنش های معنوی و رویکردها درباره معنویت است، اما «معنویت را می توان با عنوان توانایی برقراری رابطه معنادار فرد با خود درونی، دیگران و خداوند از طریق ایمان، امید و عشق تعریف کرد» (Issa & Pick, 2011, p. 47). گیلوری نیز معنویت را جنبه عملی دین می دانست و معتقد بود «دین دارای ساختار و نظامی است که معنویت در عمل، به آن قالب درمی آید» (Guillory, 2001). روف نیز بر این باور است که «معنویت به یک زندگی درونی برای یک شخص اشاره دارد که عمیقاً با اشکال مذهبی و یا به نوعی روان شناسی انسان گرایانه برای دستیابی انسان به بزرگ ترین ظرفیت درونی خودش مرتبط است» (Roof, 2003, p.138).

علاوه بر این، مک فرسون به دو نکته اساسی درباره معنویت اشاره کرده است: «نخست اینکه معنویت به اقدامات سازمان یافته و توافق شده ای منجر می شود که عموماً بین همه پیروان ادیان مشترک است. نمونه های آن را می توان در بروز و ظهور گروه بندی ها و فرقه های دین مانند جدید مشاهده کرد که بر جستجوی تجربه معنوی افراد مختلفی مبتنی هستند که گرد هم می آیند و اشکال جدیدی را پدید می آورند؛ هرچند این گروه ها لزوماً بر هیچ دینی مبتنی نیستند یا ممکن است پیروانی از ادیان مختلف داشته باشند. دوم اینکه هم دین و هم معنویت در سطح شخصی جریان دارند؛ از این رو، اینکه آیا می توان هر دو مفهوم را از یکدیگر متمایز کرد یا نه، مبتنی بر تحلیل هایی است که از معنویت در پروژه های تحقیقاتی می شود» (McPherson, 2015, p. 339).

با این حال، طی برخی از مطالعات تجربی، دسته بندی های متفاوتی از معنویت ارائه شده است؛ به طور مثال، کوزیویچ با طرح سه سطح بین معنویت تمایز جدی بین آنها قائل است. به عقیده کوزیویچ، «معنویت شامل معنویت سطحی، معنویت مشترک و معنویت عمیق است و معنویت عمیق، یک ویژگی درونی است



که فراتر از تجربیات معمولی بوده و از الگوهای فرهنگ توده فراتر می‌رود» (Kosiewicz, 2015, p. 48). در این میان، عیسی و پیک نیز معتقدند «بین معنویت دینی و معنویت زیبایی‌شناختی تفاوت وجود دارد. معنویت دینی شامل دعا، اعتقاد به معجزه و ارزش‌گذاری، از جمله حقیقت الهی و تعیین اهداف معطوف به حقیقت است، در حالی که معنویت زیبایی‌شناختی شامل صداقت، شفقت، هماهنگی، صداقت، حمایت و تعادل است» (Issa & Pick, 2011, p. 49).

با وجود این، در مطالعات مختلف تجربی، رویکردهای متفاوتی درباره رابطه اخلاق و معنویت برجسته شده است. به‌طور مثال کرومر، توجه محققانی را به خود جلب کرد که رابطه احتمالی بین اخلاق تجاری و معنویت محیط کار را پیشنهاد می‌کنند و مشتاقانه منتظرند راهی را که می‌تواند به خوبی این پیوند را نشان دهد، آشکار کنند (Corner, 2009, p. 381).

لوری و همکاران نیز که از معنویت به‌عنوان یک متغیر امیدوارکننده برای مطالعه در حوزه اخلاق صحبت می‌کنند، به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد ادراکات کارکنان درباره اخلاق در کار به‌طور مثبت با ساختار فردی آن‌ها از معنویت شخصی مرتبط است. مطالعه آن‌ها معنویت را به‌عنوان قدرت توصیف پیش‌بینی اخلاق کارکنان در کار نشان داد (Lowery et al., 2014).

عیسی و پیک در مطالعه ترکیبی خود به این نتیجه رسیدند که «وجود معنویت زیبایی‌شناختی و مذهبی و عوامل دیگری مانند رضایت، خوش‌بینی، تفاوت با دیگران و به‌هم‌پیوستگی، به‌طور قابل توجهی با عملکرد اخلاقی افراد ارتباط و پیوند جدی دارد (Issa & Pick, 2011).

از نظر مفهومی، موکرجی و همکارانش معنویت را راهی صریح برای ارتقای وفاداری و رشد اخلاقی در کار معرفی می‌کنند (Mukherjee et al., 2016). به همین ترتیب، راد و هید نیز با ارائه الگویی تأکید کرده‌اند «افرادی که از درجه معنویت بالایی برخوردارند، در مقایسه با کسانی که از چنین معنویتی برخوردار

نیستند، به اخلاق به عنوان بخش مهمی از زندگی خود پایبندی بیشتری دارند» (Rodriguez-Rad & Hidalgo, 2017).

اگرچه مطالعات زیادی وجود دارد که به طور تجربی رابطه دو مفهوم معنویت و اخلاق را تأیید می کند، اما فیلیپس و همکارانش ادعا می کنند «محققان نتوانسته اند نشان دهند که آیا رابطه علی بین اخلاق و معنویت وجود دارد و رفتارهای منفی کاهش یافته است یا نه» (Ayoun et al., 2015, p. 27). به طور مشابه، عیون و همکارانش، از نظر تجربی، هیچ رابطه معناداری بین معنویت و ادراک اخلاقی، قضاوت و نیت پیدا نکردند؛ اما به مطالعاتی اشاره کردند که مدعی تأثیر معنویت بر اخلاق و اخلاق بر معنویت به صورت مفهومی هستند (Ayoun et al., 2015). به این معنا که احتمالاً رابطه بین معنویت و اخلاق همیشه مستقیم نیست، اما دست کم آنچه به دست آمده این است که در تضاد با یکدیگر نبوده اند؛ چون هر دو در رشد شخصیت انسانی مؤثر بوده اند (Abram, 2009).

در همین راستا، شعیب و سعید با بررسی معنویت و اخلاق در چارچوب نگاه اسلامی به این نتیجه رسیده اند که هر دو اصطلاح در اسلام از طریق هفت ارزش مراقبت، سخاوت، صداقت، عدالت، وفاداری، احترام و مسئولیت پذیری با یکدیگر پیوند دارند. آن ها همچنین ادعا می کنند اخلاق، کیفیت خدمات را افزایش می دهد، کارکنان را توانمند می کند، وفاداری مشتری و سطح سود را افزایش می دهد، در حالی که معنویت، انرژی مثبت را تسهیل می کند، عملکرد را افزایش می دهد، انگیزه برای کارهای خوب ایجاد می کند، خودآگاهی را بهبود می بخشد و تعهد به مسئولیت اجتماعی را افزایش می دهد (Suib & Said, 2017, p. 290).

به همین ترتیب، برخی از پژوهش ها در حوزه مسیحیت نیز نشان می دهد پیروان این دین نیز معنویت را به طور جدی دنبال کرده اند. اسکوبار در مطالعه ای با عنوان «پست مدرنیته، معنویت و اخلاق»، با نگاهی به مسیحیت، ادعا می کند «اخلاق و معنویت به دلیل اینکه همدیگر را پوشش می دهند، به یکدیگر وابسته اند و این





وابستگی در بسیاری از شرایط توانسته نقش تعیین کننده‌ای در زیست مؤمنانه مسیحیان داشته باشد» (Escobar, 2011, p. 59).

با این حال، عیسی و پیک، پس از تحلیل دیدگاه‌های سکولار و مذهبی، شواهدی مبنی بر وجود رابطه معنادار بین اخلاق، معنویت و زیبایی‌شناسی ارائه می‌دهند (Issa & Pick, 2011). بورکهارت نیز عمیقاً بر این باور است که «اگر تسلیم یا اطاعت در برابر اراده خدا نباشد، بُعد معنوی اخلاق از بین خواهد رفت. معنویت و اخلاق و رابطه آن‌ها می‌تواند به پایداری زیست مؤمنانه و همچنین افول مشکلات جهانی کمک کند. در واقع، معنویت و اخلاق می‌توانند پاسخ‌هایی برای سعادت یک فرد و انسانیت او در جهان، در مقیاسی بزرگ‌تر ارائه کنند» (Burkhardt, 2010). زولنای نیز با شواهدی نشان می‌دهد که چگونه تجربیات معنوی از خودانگاره محدود افراد فراتر می‌رود و همدلی واقعی را برای ایجاد دیدگاه معنوی فراگیر به ارمغان می‌آورد. از نظر زولنای، «پیام اخلاقی اصلی همیشه عشق و شفقت است که در برابر طمع و فروپاشی در جامعه و سیستم‌های معیوب در جهان قرار دارد. در این راستا، سعادت همه جوامع و اکوسیستم‌های جهان مبتنی بر مراقبت، همدلی و احترام است که نتیجه مستقیم معنویت است» (Zsolnai, 2010, p. 90).

۲. روش پژوهش

روش در این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. از روش نمونه‌گیری هدفمند برای شناسایی و انتخاب مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها استفاده شد «که در زمینه مورد بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب بودند» (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۹)؛ از این رو، برای جمع‌آوری اطلاعات تجربی با یک گروه بیست نفره از روحانیون معمم ۲۵ تا ۴۵ ساله، براساس نگاه جمعیت‌شناختی جدول (۱) تا حد اشباع‌پذیری، مصاحبه نیم‌ساخت یافته انجام گرفته است. شاخص اصلی آن‌ها نیز حضور بیش از ۷ سال در حوزه‌های علمیه، معمم‌بودن و کنشگری



فعال در فعالیت‌های اجتماعی تبلیغی دین نظیر حضور در مناطق آسیب‌دیده از زلزله یا سیل، مناطق محروم و فعالیت در عرصه مبارزه با کرونا در دهه نود بوده است. در فرایند مصاحبه‌ها و بنا بر مسئله اصلی پژوهش، ابتدا از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که «معنویت» را با توجه به کنشگری اجتماعی‌شان چگونه تفسیر می‌کنند؟

جدول (۱): آمار جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	سن	مدت حضور در حوزه	زمان فعالیت	حوزه فعالیت
۱	۲۶	۱۰	۵	مسجد
۲	۳۱	۱۳	۷	جهادی- زلزله
۳	۳۸	۱۴	۵	جهادی- سیل
۴	۲۵	۹	۳	جهادی- کرونا
۵	۲۷	۱۰	۵	فعال فرهنگی
۶	۳۰	۱۲	۴	مؤسسه قرآنی
۷	۳۲	۱۵	۵	سازمان آب
۸	۳۶	۲۰	۷	مدارس
۹	۴۲	۲۳	۷	مدارس
۱۰	۴۳	۲۰	۵	فرهنگ، جهادی- کرونا
۱۱	۴۵	۲۳	۱۲	مسجد و مؤسسه قرآنی
۱۲	۳۹	۱۵	۶	شهرداری
۱۳	۲۸	۱۰	۵	مدارس
۱۴	۳۳	۱۰	۶	محافل خانگی
۱۵	۳۵	۱۷	۷	فعال فرهنگی
۱۶	۳۰	۱۲	۵	محافل خانگی
۱۷	۳۲	۱۴	۶	جهادی- کرونا- سیل
۱۸	۴۰	۲۲	۸	جهادی- مناطق محروم
۱۹	۲۷	۱۵	۵	مدارس
۲۰	۴۵	۲۳	۱۵	مسجد و کانون فرهنگی



ابتدا مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان با دقت ضبط و پس از مکتوب‌سازی و غلط‌گیری، در دو مرحله رفت و برگشت بین محقق و مصاحبه‌شوندگان، بازنگری شد. این بازنگری‌ها کمک کرد تا نواقص متن اولیه به صورت مشارکتی رفع و مقدمه فرایند کدگذاری مضامین پایه فراهم گردد. براساس شیوه‌ای که عمدتاً در روش تحلیل مضمون برای طبقه‌بندی مقولات وجود دارد، نخست مضامین پایه با توجه به پرسش اصلی پژوهش از گزاره‌های معنادار استخراج گردید. سپس، با مرور مضامین پایه، مضامین تکراری حذف و با کشف ارتباط و تناسب معنایی که بین دیگر مضامین بود، تلاش شد مضامین منسجم‌تری کشف و برساخت شود. در نهایت، این مضامین، با عنوان مضامین فراگیر سامان یافت. برای دقت در بازشناسی مقولات و اطمینان از طی شدن مسیر منطقی کشف آن‌ها، یافته‌ها مجدداً و برای مرتبه سوم به مشارکت‌کنندگان بازگردانده شد تا نظر قطعی خود را درباره مقولات کشف‌شده، فرایند طی شده و الگوی استخراجی اعلام کنند. این فرایند اگرچه سخت بود، به صحت کشف داده‌ها در فرایند تحلیل و اطمینان‌پذیری داده‌های موجود کمک کرد و البته از این نظر لازم بود.

۳. یافته‌ها

پس از بررسی داده‌ها، ۳۷۰ مضمون پایه استخراج شد. سپس، مضامینی که به نظر می‌رسید بیشتر از دیگر مضامین در پاسخ‌دهی به پرسش اصلی پژوهش مؤثر بوده و از وجه جامعیت و اسلوب منطقی معنایی برخوردارند، جدا شده و به ۴۵ مضمون پایه تقلیل یافتند. در بررسی دوم و پس از رفت و برگشت بین مضامین جداشده، مضامین منتخب پایه، در شش مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت، سه مضمون فراگیر سامان یافت (جدول (۲)). در ادامه تلاش می‌شود با توجه به متن داده‌های تجربی و استفاده از برخی نظریه‌های جامعه‌شناختی - اخلاقی در حوزه معنویت و اخلاق، مضامین برساختی تحلیل و بررسی شود.

جدول (۲): مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
تثبیت هویت حرفه‌ای	ارزشمندی نقش	تقدس لباس روحانیت با وجود معنویت؛ لباس روحانیت موجب آرامش عمومی؛ پابندی روحانیت به اصل کارکرد خودش؛ وفاداری به ارزش‌های طلبگی توقع جامعه؛ طلبگی از نظر مردم یعنی مجاهدت فی سبیل الله؛ تعریف مردم از نقش هدایتگری روحانیت بر پایه معنویت؛ فضاهای اجتماعی، فضایی برای تأمل و دعا؛ حمایت‌گری اجتماعی نوعی دعوت به خوبی‌ها.	این رو به شما بگم که مردم دنبال این هستند که روحانی تقوا و معنویت داشته باشه. گاهی از همین مردمی که توی مسجد واسه شون نماز می‌خونم، می‌شنوم که ما توقعمون از یه روحانی اینه که ما رو به خدا نزدیک کنه. یادمه توی یکی از اردوهای جهادی با دوستان روحانی بودیم و واقعاً مردم ما رو به‌عنوان کسی می‌دیدند که می‌تونه واسه اون‌ها معجزه کنه. این نگاه مردم به ما یعنی تأیید روحانیت و کاری که داره انجام می‌ده.
	تأیید حرفه‌ای	پابندی مردم به روحانیت به خاطر خدا نه حکومت؛ انجام خدمت صادقانه از روحانیت،	یکی از کسانی که روحانی هم نبود ولی در جمع کسانی بود که در زمان کرونا



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		<p>خواست عمومی مردم؛ معنویت پشتوانه حضور روحانیت در جامعه؛ هدایتگری روحانیت در پرتو معرفی خود به عنوان افراد معنوی به جامعه؛ حفظ شأنیت روحانیت با جذب معنوی؛ تلاش برای انطباق معنویت درونی با معنویت منبعث از مستندات دینی.</p>	<p>کنار ما بود، می گفت: «حاج آقا مردم شما رو می بینن خیلی آرامش پیدا می کنند». من می خوام بگم الان اگه از کسی سؤال کنید که واقعاً نقش یک روحانی چیه و چرا نقش روحانیت در جامعه مورد توجهه، جدا از بحث های سیاسی، به شما همین رو می گه. این یعنی ما نقشمون رو هنوز در جامعه از دست ندادیم و مردم توقع دارند از ما که واقعاً مجاهد باشیم، نه سربرار حاکمیت و مردم.</p>
	مداخله گری	<p>مراقبت از دیگری مصادق یک کار معنوی؛ حمایت اجتماعی به مثابه امری معنوی؛ رسیدگی به مشکلات مردم جزء</p>	<p>مسئله ای که ما به ویژه در اردوهای جهادی و در سال اول کرونا با اون مواجه بودیم این بود که وظیفه ما کمک به مردم و</p>





مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
بهبود عملکرد اخلاقی		وظایف روحانیت؛ مراقبت از مردم به مثابه عبادت؛ خرد، دانش و مهارت سه پایه معنویت در کارزار اجتماعی؛ حفظ کرامت و احترام دیگران نمونه‌ای از معنویت؛ تقویت امید به خدا در مردم، مصداق معنویت اخلاقی؛ درک معنویت در چارچوب رسیدگی به امور مؤمنان.	حمایت از افرادی بود که از لحاظ روحی صدمه دیده بودند. شاید همین مورد انگیزه اصلی من رو که از سال‌های قبل طلبه شده بودم، بیشتر از درس‌هایی که توی حوزه خونده بودم تقویت کرد. اینکه می‌تونم حداقل حمایتی ولو به صورت دلداری از فرد یا خانواده‌اش بکنم.
	رابطه تعاملی	تعیین مرزهای اخلاقی روحانیت با مردم؛ معنویت توأم با ارتقای فهم مردم از روحانیت؛ پرهیز از خودبرتری نسبت به مردم؛ شفاف‌سازی و تقویت اعتماد اجتماعی؛ رفع تناقضات و نگرش‌های غیراخلاقی به روحانیت؛ پرهیز از اقدامات سوگیرانه در رفتارهای	در فعالیت‌هایی که ما روحانیون داریم، دو چیز اولویت دارد؛ یکی اخلاق خوب است که نشونه سیره و روش انبیای الهی است و البته رضایت الهی رو هم در پی داره. یکی دیگه اینکه بتونه رابطه خوبی با مردم برقرار کنه. بسیاری از دوستان ما

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		دوجانبه مردم و روحانیت.	که متأسفانه در کارهای فرهنگی قوی نیستند، به نظر من، در اینجا مشکل دارن. معنویت می تونه روابط ما رو با خدا اصلاح کنه و کسی هم که رابطه اش با خدا اصلاح شد، رابطه اش با مردم و اخلاقتش با مردم خوب می شه و می تونه تعامل کنه.
تاب آوری اخلاقی	تعهد اجتماعی	معنویت یعنی احساس تعلق به جامعه و احترام به آن، کاهش درد و رنج های شخصی با حفظ و یادآوری تعهد به جامعه، توجه به لزوم مصالحت ها در برخوردهای عمومی، توجه به هدف گذاری های کلان دینی و اخلاقی در جامعه، کنترل اخلاق فردی در مواجهات	من معتقدم اگه کسی به تعهدی که به جامعه داره عمل کنه، اگه هم جایی باهاش بداخلاقی شد، می تونه تحملش کنه. باور کنید من به عنوان یه روحانی معتقدم ما به جامعه بدهکاریم و بنده خودم رو متعلق به این مردم می دونم. احساسی که به این جامعه و مردم دارم از



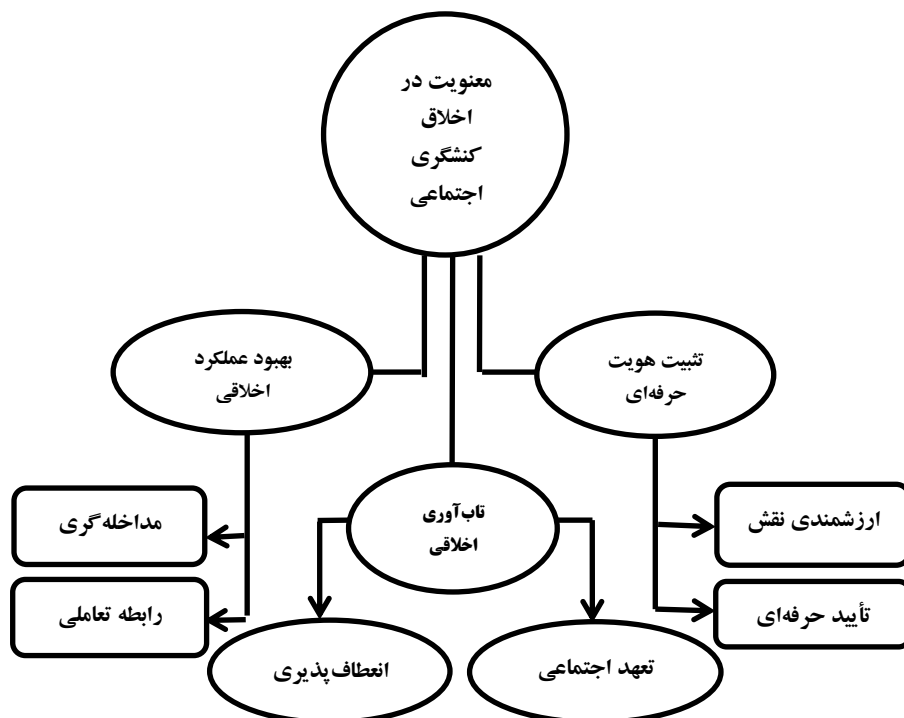


مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		اجتماعی؛ الزام‌پذیری در عمل به وظایف روحانیت در جامعه.	احساسی که یه آدم می‌تونه هنگام خوندن دو رکعت نماز شب داشته باشه، گاهی بیشتره؛ چون می‌دونه که متعهد بوده و اگه کاری ازش برآمده برای رضای خدا واسه مردمش انجام داده. خب طبیعیه که اگه این‌طوری نگاه کنید، تحمل ما و صبر ما هم در مقابل بعضاً بی‌ادبی‌ها و بی‌صداقتی‌ها هم زیادتر می‌شه.
	انعطاف‌پذیری	پرهیز از مجادله با مردم؛ انطباق رفتار خود با رفتار انبیا و اوصیای الهی؛ تحمل سختی‌های مردم، بخشی از زندگی یک روحانی؛ هر قدر انسان معنوی‌تر، در طرز رفتار با مردم هم منعطف‌تر؛ لزوم سازگاری روحانی با رفتارهای بد مردم؛ در	یه مسئله مهمی که برای ما روحانیت وجود داره اینه که باید در مقابل ناملایماتی که در جامعه واسه‌مون پیش میاد از میدون به‌در نریم. برخی از آقایون رو من دیدم می‌رن یه جایی خونه می‌گیرن

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		<p>اولویت قرار دادن کارهای مردم نسبت به کارهای شخصی؛ مدارا با مردم با تکیه بر حفظ جایگاه و شأنیت روحانیت؛ رعایت انصاف در برابر درد و رنج مردم؛ رشد روحانیت توأم با مراقبت از خود؛ توجه روحانیت به انتقادپذیری عمومی.</p>	<p>که کمتر در دسترس مردم باشن یا کلاً فعالیت اجتماعی انجام نمی دن که مثلاً کمتر نقد بشن. این خوب نیست. روحانی خودش رو باید با جامعه تطبیق بده. این از وظایف روحانیه و البته در سیره رسول خدا و ائمه معصومین و علمای سلف ما هم بوده. کسی که از خدا بترسه، از مردم نمی ترسه و با اون هاست.</p>



شبکه مضامین نقش معنویت در اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت



۱-۳. تثبیت هویت حرفه‌ای

نخستین مقوله فراگیری که از تحلیل مصاحبه‌ها با روحانیون به دست آمد، نقش معنویت در تثبیت هویت حرفه‌ای آن‌ها بود؛ اینکه به میزانی که آن‌ها معنویت داشته‌اند، جامعه نیز تصور بهتری از آن‌ها داشته و به‌عنوان روحانی و نقشی که در جامعه دارند، بیشتر پذیرفته شده‌اند. به‌طور کلی، افراد براساس سرمایه‌گذاری‌های انگیزشی، عاطفی و رفتاری که در جامعه وجود دارد، تلاش می‌کنند به هویتی در جامعه دست یابند. بدون تردید، حرفه و شغل از برجسته‌ترین سرمایه‌هایی است که به‌دنبال خود چنین کارکردی برای افراد در جامعه دارد. حرفه به آن‌ها هویتی اجتماعی می‌دهد؛ چون به‌واسطه آن می‌توانند بفهمند که جامعه آن‌ها را چگونه می‌بیند و براساس چه قواعد اخلاقی قضاوتشان می‌کند. در این صورت، هویت





حرفه‌ای در ترکیب با مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی نیز قرار خواهد گرفت که نقش تعیین‌کننده‌ای در تصور فرد از خودش و حرفه‌اش و نیز نگاه دیگران به او دارد؛ از این رو، هویت حرفه‌ای را می‌توان احساس پایدار فرد درباره ماهیت، هدف و معنای حرفه‌اش تعریف کرد؛ اینکه این حرفه موجب بروز چه رفتارهایی از او در جامعه می‌شود، با چه ارزش‌های اخلاقی هم‌سو می‌باشد و آیا او با این هنجارها و ارزش‌های اخلاقی هم‌خوانی داشته است یا نه.

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد «ارزشمندی نقش» و «تأیید حرفه‌ای»، دو مقوله سازمان‌دهنده برای ایجاد تثبیت هویت حرفه‌ای مشروط به معنویت هستند؛ از این رو، معنویت یک مفهوم پیچیده فلسفی نیست، بلکه معنویت موقعیتی در نظر گرفته می‌شود که در گیرودار مفاهیمی همچون «نقش» و «تأیید» که مفاهیمی اجتماعی‌اند، بازتعریف می‌شود. در همین راستا، استرایکر معتقد است «برای هر یک از موقعیت‌ها یا روابط نقشی متفاوتی که فرد در جامعه دارد، هویتی وجود خواهد داشت که تعیین‌کننده موقعیت درونی شده در فرد است» (Stryker, 1980, p. 60).

بنابراین، معنویت مهم‌ترین جنبه‌ای است که هم به نقش روحانیت در جامعه ارزش داده و هم تأیید آن را مشروط می‌کند. در این باره، مضامینی همچون «لباس روحانیت با وجود معنویت، تقدس یافته است»، «لباس روحانیت موجب آرامش کسانی بوده که ما در بینشان بوده‌ایم»، «پایبندی روحانیت به اصل کارکرد خودش در جامعه ما را به معنویت راهنمایی می‌کند»، نشان می‌دهد در نظر روحانیون، عامه مردم از لباس گرفته تا آرامش عمومی را وابسته به نقشی می‌دانند که در ساختاری به نام معنویت خود را نشان داده است.

با توجه به این نکته، روحانی ۳۸ ساله با پنج سال سابقه جهادی، با مقایسه «ارزشمندی نقش» روحانیت در شیعه و مسیحیت می‌گفت: «توجه مردم به روحانیت و اینکه ما را تأیید کنند، زمانی تحقق پیدا می‌کند که ما بفهمیم آمدن این مردم به سمت ما برای این است که تسلیم‌بودن ما رو در مقابل خدا ببینند. بالاخره سیلی آمده و

مردم مصیبت زده هستند. این واقعیت تا اندازه‌ای در مسیحیت خودش رو بیشتر نشون داده. یه مسیحی ولو برای یه اعتراف هم که باشه، وقتی پیش اسقف کلیسا می‌ره، نگاهش اینه که با این اعتراف می‌تونه خودش رو تسلیم مسیح کنه. نمی‌خوام تأیید یا رد کنم؛ می‌خوام بگم این نگاه معنوی از سمت شخص مسیحی به اسقف کلیسا هست و همین یه تأییدیه واسه اون اسقف».

روحانی ۴۲ساله با هفت سال فعالیت در مدارس متوسطه، با ارتباط دادن ارزشمندی نقش روحانیت با حمایتگری اجتماعی و اینکه «فضاهای اجتماعی، فضاهایی برای تأمل، دعا و ارتباط با خداوند است، چون مردم درون این فضاها قرار دارند»، معنویت را یک نقطه اتصال برای این دو مقوله می‌دانست و می‌گفت: «بچه‌ها در مدارس بیشتر از هرچیز از من روحانی، نوعی حمایتگری معنوی اجتماعی می‌خوان. در واقع، حمایتگری من یه نوع دعوت به خوبی‌هاست؛ چون دعوت به خوبی‌ها دعوت به خداست و کسی که دعوت به خدا می‌کنه، قطعاً حواسش به مردم هم هست؛ خوبی‌هایی که این بچه‌ها در نه ماه تحصیلی شاید از هیچ معلمی نمی‌بینن. اونا از من می‌خوان که در فضاهایی که دچار مشکل هستن، در مقابل خانواده‌هاشون و حتی در مقابل مدیر مدرسه ازشون حمایت کنم. همین بچه‌ها نقش هدایتگری من رو زمانی ارزشمند می‌دونن که با توجه به قدرت معنوی ازشون حمایت کنم».

ازسوی دیگر، معنویت به تأیید حرفه‌ای روحانیت نیز کمک کرده است. مضامینی همچون «هدایتگری، بهترین شیوه‌ای است که روحانیت با آن می‌تواند تأثیرگذاری خود را به جامعه اثبات کند»، وفاداری به ارزش‌های روحانیت، توقع جامعه است» و «معنویت برای روحانیت از نظر مردم یعنی مجاهدت فی سبیل الله»، همگی دال بر این است که روحانیت با وجود نفوذ اجتماعی‌ای که به لحاظ حاکمیتی دارد، برای «تأیید حرفه‌ای» نیازمند سازکاری عمومی است که با تکیه بر مفهومی (معنویت) بتواند قدرت او را به جامعه نشان دهد. در این باره، روحانی ۳۹ساله با شش سال سابقه فعالیت در شهرداری، ضمن تأکید بر اینکه پایبندی مردم به روحانیت به خاطر





معنویت بوده و نه حکومت، بیان می‌کرد: «این رو باید بدونیم که آگه مردم به روحانیت احترام می‌گذارن به خاطر مناصب شغلی اون‌ها در حکومت نیست، بلکه به خاطر نگاه صادقانه‌شون برای خدمت به مردم. من جایی بودم که مراجعات مردم زیاد بود. این مردم بعد از نماز جماعت اگرچه درددل می‌کردند که آقا ما اومدیم اینجا، کارمون رو راه نمیندازن، اذیت می‌کنند و شما یه سفارشی بکنید، همون‌جا می‌گفتند که شما به گُر وصل هستید، شما مورد تأیید مایید، شما هرچی بگین ما گوش می‌کنیم». این پاره‌گفتار نشان می‌دهد فهم معنویت از آسمان نیست، بلکه خاستگاه آن احترام، صداقت و همدردی است و مهم‌ترین شاخص برای تأیید روحانیت در شرایط جدید است.

۲-۴. بهبود عملکرد اخلاقی

منظور از عملکرد اخلاقی^۱، به کارگیری «ارزش‌های اخلاقی» در یک «موقعیت» است. در واقع، هم ارزش‌های اخلاقی مورد توجه است و هم فهم عملکرد در فهم موقعیت‌ها نقش تعیین‌کننده دارد. با این حال، «فهم یک موقعیت، نتیجه عملکردهای فرهنگی اشخاص در گیر در آن موقعیت است و به نحوه برداشت مخاطبان از آن عملکرد بستگی دارد؛ از این رو، شرط حیاتی برای موفق بودن یک عملکرد این است که آن عمل معتبر تلقی شود» (Alexander, 2004, p. 528).

با الهام از این دیدگاه، بدون تردید، عملکرد اخلاقی مبتنی بر معنویت از عملکرد صرفاً اخلاقی متمایز است. در عملکردی که صرفاً اخلاقی است، دستورالعمل‌ها و قواعد اخلاقی به عنوان یک موقعیت برتر تلقی می‌شود، در حالی که در عملکرد اخلاقی که بر معنویت بنا شده، خود فرد تلاش می‌کند با توجه به استعدادها و ویژگی‌های درونی که دارد، جنبه‌ای از رفتار را رقم زند که اخلاقی تلقی شود. با این حال، حتی اگر بتوان مجموعه‌ای معقول از دستورالعمل‌ها را برای رفتار و عمل

1. Ethical performance

اخلاقی بسط داد، باز نمی‌توان متصور شد که همگی آن‌ها در خدمت منافع جمع و خیر عمومی باشد.

تحلیل مصاحبه‌ها در این بخش نشان می‌دهد مداخله‌گری و رابطه‌ی تعاملی در سایه‌ی معنویت به بهبود عملکرد اخلاقی روحانیت کمک کرده‌اند. مداخله‌گری در عین حال که یک عمل سیاسی و فکری است، می‌تواند فردی یا جمعی هم باشد. باین‌حال، عمدتاً مداخله با هدف و آگاهی از زمینه و نتایج ممکن و در یک موقعیت نهادی و فرهنگی خاص انجام می‌شود. مداخلات دارای تاریخ انقضا (یعنی زمانمند) هستند و درحالی‌که می‌توانند از مکانی به مکان دیگر منتقل شوند، هرگز به‌طور جهانی قابل اجرا نبوده و قابل تضمین هم نیستند (Sterne, 2015, p. 8).

مضامینی همچون «مراقبت از دیگری، مصداق یک کار معنوی»، «درک معنویت در چارچوب رسیدگی به امور مؤمنان» و «احساس مراقبت از مردم به‌مثابه‌ی عبادت» نشان می‌دهد که اولاً مداخله‌گری فراتر از یک مهارت و تسکین‌بخشی است. ثانیاً مداخله‌گری روحانیت، وظیفه‌ی اخلاقی هم نیست، بلکه یک عبادت یا در دایره‌ی عبادت قابل تعریف است. تفاوت این دو نگاه این است که مداخله‌گری براساس وظیفه‌گرایی اخلاقی صرفاً جنبه‌ی حمایتی داشته و فرد تلاش می‌کند حمایت اجتماعی خود از مردم را صرفاً انسانی تلقی کرده و در امر مداخله‌گری بر دانش‌ها تمرکز کند و مهارت‌ها و خردورزی بیشتری به خرج دهد. در حالی‌که مداخله‌گری بر مبنای عبادت علی‌رغم پذیرفتن وجدانی همه‌ی این ویژگی‌ها به حفظ کرامت و احترام و تقویت امید به خدا در مردم کمک کرده و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی درباره‌ی افراد را صرفاً مشروط به حمایت اجتماعی از آن‌ها نمی‌کند.

روحانی ۳۶ساله با هفت سال سابقه‌ی جهادی می‌گفت: «مراقبت از مردم جدا از اینکه یک حرکت انسانی است و فقط کار روحانیت نیست، اتفاقاً یکی از شعارهای دولت‌ها در همه‌ی دنیا همین است که ما می‌خواهیم از مردم مراقبت کنیم و البته مهارت‌های خودش رو هم می‌خواد. اما وقتی این امر در دست‌گاه روحانیت قرار





می‌گیره حسابش متفاوت می‌شه. اینجا مردم فقط مردم نیستند، بلکه مؤمنینی هستند که کار برای اون‌ها باید براساس نوعی از ایمان به خدا صورت بگیره، والا فایده‌ای نداره. در اینجا دست تو دست خداست و قلب و دل تو قلب و دل خداست».

رابطه تعاملی، مضمون دیگری بود که از نگاه روحانیون موجب شده است که معنویت به بهبود عملکرد اخلاقی کمک کند. از نگاه روحانیون، منظور از رابطه تعاملی در پهنای معنویت، روابطی است که دوطرفه، بدون اجحاف و تکلف و به‌دور از هرگونه خودبرتربینی روحانیت نسبت به مردم باشد. با وجود این، روحانی ۴۵ ساله با ۲۲ سال سابقه کار در مسجد و کانون فرهنگی، با تأکید بر اینکه از اخلاق معنوی می‌توان الگو استخراج کرد، نه از اخلاق مطلق، بر این باور بود که: «داستان رابطه روحانیت با مردم، داستان رابطه مردم با مردم نیست. نگاه مردم به روحانیت قبل از هرچیز به نگاه معنویه.

مردم، روحانی رو کسی که به خدا نزدیک می‌دونن و در اینجا اخلاق، اخلاقی مثل قانون نیست، بلکه به نوع اخلاق الهیه؛ چون اخلاقی که نظیر قانونه، ممکنه خیلی افراد جامعه بهش عمل کنند؛ مثلاً اگه مردی توی خونه کتک کاری نکنه و احترام همسرش رو نگه داره، به کار اخلاقی بزرگ کرده، درحالی که اگه به روحانی در جایگاه همسری باشه، جامعه توقع داره نه تنها اون کار رو انجام نده و احترام همسرش رو نگه داره، بلکه فهم مردم رو هم درباره شیوه زندگی درست ارتقا بده و نقش الگوی معنوی داشته باشه. این الگوبودن معنوی یعنی به راه میان‌بر برای رسیدن مردم به خدا».

۳-۴. تاب‌آوری اخلاقی

تاب‌آوری اخلاقی^۱ سومین مضمون فراگیری بود که ناظر به تحلیل و انتظام معنایی داده‌ها برجسته شد؛ به این معنا که معنویت به روحانیت کمک کرده است در

1. Moral resilience



مواجهه اجتماعی و به طور کلی در برابر ناملايمات و دردها و رنج‌ها، اخلاقی تر عمل کنند.

این ایده، دیدگاه رشتون را که معتقد است «تاب‌آوری اخلاقی نشان‌دهنده نوعی آگاهی به شیوه‌هایی است برای زیستن در موقعیت‌هایی که ما در آن قرار داریم و این موقعیت‌ها با ما ناسازگار بوده و صداقت ندارند» (Rushton, 2016, p. 113)، تأیید می‌کند. با این حال، منظور از معنویت که از نگاه مشارکت‌کنندگان، پشتوانه تاب‌آوری اخلاقی بوده است، صرفاً معنویت درونی نیست، بلکه معنویت اجتماعی شده‌ای است که می‌تواند نظم اجتماعی را تقویت کند، از تزلزل‌های رفتاری در شرایط سخت جلوگیری کند و به طور کلی، توان اخلاقی جامعه را افزایش دهد.

روحانیون معتقد بودند معنویتی که به تاب‌آوری اخلاقی آن‌ها در جامعه منجر شده، با توجه به دو عامل اساسی یعنی تعهد اجتماعی و انعطاف‌پذیری ایجاد شده است. تعهد اجتماعی به مثابه یک ساختار، افراد را به انجام یک عمل یا واقعیتی ملزم می‌کند که به نوعی در جامعه تثبیت شده است. در همین راستا، مضامینی همچون «توجه به لزوم مصلحت‌ها در مواجهات عمومی» و «الزام‌پذیری اخلاقی روحانیون به وظایف اجتماعی» نشان می‌دهد که مصلحت‌اندیشی و التزام اخلاقی از نگاه معنوی، مهم‌ترین شیوه‌ها برای تثبیت این واقعیت در جامعه‌اند؛ از این رو، هدف از در نظر گرفتن مصلحت‌ها و ملتزم شدن به ارزش‌های اخلاقی سازمانی، توجیه تعهدی است که هم به خوب بودن فعل توجه دارد و هم خیر عمومی واقعیت‌های اخلاقی را در چیزی فراتر از اخلاق جست‌وجو می‌کند.

روحانی ۳۷ ساله با سابقه هفت سال کار فرهنگی می‌گفت: «معنویت این نیست که من روحانی خانه‌نشینی و حجره‌نشینی و گریه در دل شب رو انتخاب کنم و از حال مردم غافل باشم. اتفاقاً کمال روحانیت به بودن با مردم در شرایط سخته. احساس تعلق به جامعه و احترام به مردم خودش نوعی از معنویت؛ البته در صورتی که



من خودم رو به این مردم متعهد بدونم. این رو درک کرده باشم که من در شرایطی قرار دارم که باید دینم رو به این مردم ادا کنم. این‌ها از من توقع دارند که در حد خودم بهشون توجه کنم و آلام و دردها و رنج‌هاشون رو کم کنم. با این تعهد، درد و رنج‌های خود منم تسکین داده می‌شه و احساس شعف و شور می‌کنم».

از سوی دیگر، به عقیده بارتلز و همکارانش، «انعطاف‌پذیری اخلاقی، توصیف طیف گسترده‌ای از واکنش‌های انسانی به شرایطی است که در آن قرار دارند. در حقیقت، باورهای اخلاقی، هدایت‌کننده نگرش‌ها و رفتارهای افراد در این موقعیت‌هاست» (Bartels et al., 2015, p. 489).

به‌طور مثال، منفعت‌های شخصی می‌تواند نگرش و رفتار فرد را در قبال موقعیت‌ها نیز متفاوت کند. نتیجه چنین دیدگاهی این است که در مجموع، افراد بسته به اینکه منافع شخصی‌شان در خطر است یا نه، احتمالاً نگرش نسبتاً انعطاف‌پذیرتری به قوانین اخلاقی خواهند داشت.

پاره‌گفتارهای روحانیون نشان می‌دهد معنویت چگونه نگاه‌های منفعت‌طلبانه شخصی را به سوی تقویت رفتارهای اخلاقی جامعه سوق داده است. روحانی ۴۲ ساله با سابقه هفت سال فعالیت در مدارس تأکید می‌کرد: «برای من به تجربه ثابت شده که روحانیت زمانی می‌تونه با نسل جدید ارتباط بهتری داشته باشه که با رفتارهای ضد و نقیض این نسل کنار بیاد. سازگاری یعنی اینکه ما اون‌ها رو قضاوت نکنیم و باهاشون مدارا کنیم. همین سازگاری و مدارا کردن یعنی انعطاف نشون دادن و نسل جدید همین رو از من روحانی می‌خواد. نسل جدید نمی‌خواد باهاش اخلاقی رفتار کنی، نصیحتش کنی. اون می‌گه با من کنار بیا، کوتاه بیا و بهم توجه کن. همه این‌ها یعنی داشتن روحیه‌ای که اگه واقعاً پشتش نوعی بالندگی معنوی نباشه، روحانی توی این کارزار جواب نمی‌گیره».

روحانی ۴۰ ساله با سابقه هشت سال فعالیت در مناطق محروم، با تأیید همین نگاه، بر این باور بود که «هر قدر انسان در طرز رفتارش با مردم معنوی‌تر باشه، یعنی

احساس خودبینی نداشته باشد، قاعدتاً منعطف تر هم خواهد بود. مجادله با مردم یعنی مجادله با خدا. کسی که خودش رو به خدا نزدیک می‌دونه، قطعاً جلوی بندگان خدا و سختی‌هایی که احتمالاً همین مردم بر او وارد می‌کنند، انعطاف بیشتری از خودش نشون می‌ده. منعطف بودن در برابر مردم یعنی فروکش کردن خشم خداوند از انسان. این باید سرمشق روحانیت قرار بگیره». روحانیون تأکید داشتند معنویت، روحیه انتقادپذیری را در آن‌ها تقویت کرده، نگرش آن‌ها را درباره‌ی این‌که کارهای مردم باید در اولویت باشد، متعالی ساخته و به این حد از مراقبت رسانده که کنش‌هایشان صرفاً برای نزدیک شدن به خوبی‌ها و پرهیز از زشتی‌ها در قالب و میزان قواعد اخلاقی نیست، بلکه برای رسیدن به نوعی خلوص معنوی است که بدنه‌ی اصلی جامعه با آن درگیر بوده و به واسطه‌ی آن تعالی می‌یابد.



نتیجه‌گیری

اخلاقی زیستن معنوی روحانیت یک امر ذاتی اجتماعی و مختص به سازمان روحانیت است. انتظار عمومی این است که یک روحانی، اخلاقی زندگی کند و مردم را با معنویت هدایتگری نماید. در واقع، روحانیت به دلیل تعلقی که به نظام اعتقادی دارد، نیازمند پشتوانه‌ای معنوی است که بتواند به واسطه آن، خلأهای اخلاقی ناظر به کنش‌های اجتماعی‌اش را پوشش دهد.

پژوهش حاضر با تکیه بر داده‌های تجربی به دست آمده از مصاحبه با روحانیون، نشان داد وجود معنویت در کنشگری اجتماعی آن‌ها سه اتفاق عمده را رقم زده است؛ نخست، معنویت موجب شده نقش روحانیت، ارزشمندی خویش را باز یابد و حوزه عمومی نیز آن را تأیید کند. در واقع، مفهوم معنویت در ارتباط با مفاهیمی همچون نقش و تأیید، بازتعریفی اجتماعی یافته و به عنوان یک چارچوب، مشخص می‌کند مردم روحانیت را نه به خاطر وابستگی به حکومت، بلکه به دلیل نقش ارزشمندی که به لحاظ معنوی در جامعه دارد، تأیید می‌کنند. دوم، افزایش معنویت در کنشگری اجتماعی روحانیت بر بهبود عملکرد اخلاقی و مداخله‌گری آنان در جامعه نیز تأثیر گذار بوده است.

در امر مداخله‌گری، معنویت به عنوان یک استراتژی، در طراحی چارچوبی از اصول راهنما و مجموعه‌ای از پرسش‌های عملی ناظر به مشکلات و درد و رنج‌های عمومی به روحانیت کمک کرده که بتواند ورودش را به میدان‌های تصمیم‌گیری اخلاقی به میزان زیادی افزایش دهد. همچنین این مداخله‌گری‌ها براساس رابطه‌ای تعاملی صورت گرفته که در این سنخ روابط با وجود اینکه جذبه معنوی موجب شفاف‌سازی و تقویت اعتماد اجتماعی و عمومی میان روحانیون و جامعه شده، تناقضات و نگرش‌های غیراخلاقی به روحانیت را نیز کم‌رنگ‌تر کرده است. سوم، در پرتو معنویت، تاب‌آوری اخلاقی روحانیت با دو مقوله تعهد اجتماعی و انعطاف‌پذیری اخلاقی تقویت شده است.



این دو مقوله نشان داد معنویت نوعی تعهد اجتماعی در روحانیت ایجاد کرده و از یک نگاه فردی به معنویت اجتماعی شده‌ای ارتقاء یافته که در نظم اجتماعی، دادوستد و مراودات عرفی روحانیت با مردم مؤثر بوده و به میزان زیادی روحیه سازگاری و مدارا را در روحانیون افزایش داده و رفتارهای آنها را بیش از پیش با ارزش‌های اخلاقی جامعه منطبق کرده است.



کتاب‌نامه

۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۴۱)، مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. شریعتی، علی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۵، تهران: نشر مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران: صدرا.
۴. محمدپور، احمد، مهدی رضایی، لطیف پرتوی و رسول صادقی (۱۳۸۸)، «بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه زمینه‌ای»، مجله خانواده‌پژوهی، س ۵، ش ۱۹، ص ۳۰۹-۳۳۰.
۵. مختاری، رضا (۱۳۸۶)، سیمای فرزندگان، قم: بوستان کتاب.
۶. جرفادقانی، م. (۱۳۸۴)، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، قم: معارف اسلامی.
۷. عسکری، فاطمه (۱۳۸۴)، سیره اخلاقی علما، تهران: انتشارات صداوسیما.
8. Abram, A. (2009). "Ethics and spirituality: Self-sufficiency or symbiosis?". *Studia Bobolanum*, 4: p. 69-81.
9. Alexander, J. (2004). "Cultural Pragmatics: Social Performance between Ritual and Strategy". *Sociological Theory*, 22(4): p. 527-537.
10. Ayoun, B., Rowe, L. & Yassine, F. (2015). "Is workplace spirituality associated with business ethics?". *International journal of Contemporary hospitality management*, 27(5): p. 938-957.
11. Bartels, Daniel M., Christopher W. Bauman, Fiery A. Cushman, David A. Pizarro and A. Peter McGraw (2015). "Moral Judgment and Decision Making", In G. Keren & G. Wu (Eds.) *The Wiley Blackwell Handbook of Judgment and Decision Making*. Chichester, UK: Wiley, p. 478-515.





12. Burkhardt, H. (2010). "Spirituality and Ethics: A Literature Review". *European Journal of Theology*, p. 55-65.
13. Corner, P. D. (2009). "Workplace spirituality and business ethics: Insights from an eastern spiritual tradition". *Journal of business ethics*, 85(3): p. 377-389.
14. Escobar, D. A. (2011). "Amos & postmodernity: A contemporary critical & reflective perspective on the Interdependency of ethics & spirituality in the Latino-Hispanic American reality". *Journal of business ethics*, 103(1): p. 59-72.
15. Fluker, W. E. (2008). "Spirituality, ethics, and leadership". *Spirituality in higher education newsletter*, 4(3): p. 1-6.
16. Guillory, W. A. (2001). *The living organization: spirituality in the workplace*. 2nd edition. Salt Lake City, UT: Innovations international.
17. Issa, T. & Pick, D. (2011). "An interpretive mixed-methods analysis of ethics, spirituality and aesthetics in the Australian services sector". *Business ethics: A European review*, 20(1): p. 45-58.
18. Kosiewicz, J. (2015). "Professional, spectator, and olympic sports in the context of the terms spiritualism and spirituality, and in the Context of Normative ethics". *Physical culture and sport. Studies and research*, 68(1): p. 43-62.
19. Lowery, C. M., Duesing, R. J. & Beadles, N. A. (2014). "A research note on the relationships among spirituality, contextual variables, and perceptions of ethics in the workplace". *Journal of managerial Issues*, p. 408-423.

20. McPherson, D. (2015). "Homo religiosus: does spirituality have a place in neo-Aristotelian virtue ethics?". *Religious studies*, 51(3): p. 335-346.
21. Mukherjee, S., Bhattacharjee, S. & Singha, S. (2016). "Workplace spirituality: A paradigm shift to ethics from business". *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)* e-ISSN: 2278-487X, p-ISSN: p. 2319-7668.
22. Rodriguez-Rad, C. J. & Ramos Hidalgo, E. (2017). "Spirituality, consumer ethics, and sustainability: The mediating role of moral identity". *Journal of consumer marketing, (just-accepted)*, p. 51-63.
23. Roof, W.C. (2003), "Religion and Spirituality: Toward an Integrated Analysis". In M. Dillon (ed.), *Handbook of the Sociology of Religion*, Cambridge: Cambridge University Press, p. 137-48.
24. Rushton, C. H. (2016). "Moral resilience: A capacity for navigating moral distress in critical care". *AACN Advanced Critical Care*, 27(1): p. 111-119.
25. Sterne, Jonathan (2015). "What is an Intervention?". *Journal of Cultural Studies*, Vol. 37: p. 5-14.
26. Stryker, S. (1980). *Symbolic interactionism: A social structural version*. Menlo Park: Benjamin Cummings.
27. Suib, F. H. & Said, M. F. (2017). "A review of Islamic work ethics and spirituality concepts in service industry". *Journal of Nusantara studies (JONUS)*, 2(2): p. 282-294.



28. Zsolnai, L. (2010). *Ethics needs spirituality: In Spirituality and business*, Springer Berlin Heidelberg, p. 87-90.
29. www.jamaran.news/fa/tiny/news-867522.
30. B2n.ir/s85002.

References

۱. Abram, A. (۲۰۰۹). "Ethics and spirituality: Self-sufficiency or symbiosis?". *Studia Bobolanum*, ۴: p. ۶۹-۸۱.
۲. A collection of authors (۱۹۶۲). *authority and spirituality*, Tehran: Sahami Atahi Co.
۳. Alexander, J. (۲۰۰۴). "Cultural Pragmatics: Social Performance between Ritual and Strategy". *Sociological Theory*, ۲۲(۴): p. ۵۲۷-۵۳۷.
۴. Askari, Fatemeh (۲۰۰۴), *The Moral Life of Ulama*, Tehran: Seda Va Sima Publications.
۵. Ayoun, B., Rowe, L. & Yassine, F. (۲۰۱۵). "Is workplace spirituality associated with business ethics?". *International journal of Contemporary hospitality management*, ۲۷(۵), p: ۹۳۸-۹۵۷.
۶. Bartels, Daniel M., Christopher W. Bauman, Fiery A. Cushman, David A. Pizarro, and A. Peter McGraw (۲۰۱۵). "Moral Judgment and Decision Making," In G. Keren & G. Wu (Eds.) *The Wiley Blackwell Handbook of Judgment and Decision Making*. Chichester, UK: Wiley, p. ۴۷۸-۵۱۵.
۷. Burkhardt, H. (۲۰۱۰). "Spirituality and Ethics: A Literature Review". *European Journal of Theology*, p. ۵۰-۶۵.
۸. Corner, P. D. (۲۰۰۹). "Workplace spirituality and business ethics: Insights from an eastern spiritual tradition". *Journal of business ethics*, ۸۵(۳): p. ۳۷۷-۳۸۹.
۹. Escobar, D. A. (۲۰۱۱), "Amos & postmodernity: A contemporary critical & reflective perspective on the interdependency of ethics & spirituality in the Latino-Hispanic American realit". *Journal of business ethics*, ۱۰۳(۱): p. ۵۹-۷۲.
۱۰. Fluker, W. E. (۲۰۰۸). "Spirituality, ethics, and leadership". *Spirituality in higher education newsletter*, ۴(۳): p. ۱-۶.
۱۱. Guillery, W. A. (۲۰۰۱). *The living organization: spirituality in the workplace*. ۲nd edition. Salt Lake City, UT: Innovations international.
۱۲. Issa, T. & Pick, D. (۲۰۱۱). "An interpretive mixed-methods analysis of ethics, spirituality and aesthetics in the Australian services sector". *Business ethics: A European review*, ۲۰(۱): p. ۴۵-۵۸.
۱۳. Jorfadghani, M. (۲۰۰۴). *Great Shiite Scholars from Koleini to Khomeini*, Qom: Islamic Education Publishing House.
۱۴. Kosiewicz, J. (۲۰۱۵). "Professional, spectator, and olympic sports in the context of the terms spiritualism and spirituality, and in the Context of Normative ethics". *Physical culture and sport. Studies and research*, ۶۸(۱): p. ۴۳-۶۲.
۱۵. Lowery, C. M., Duesing, R. J. & Beadles, N. A. (۲۰۱۴). "A research note on the relationships among spirituality, contextual variables, and perceptions of ethics in the workplace". *Journal of managerial issues*, p. ۴۰۸-۴۲۳.
۱۶. Mohammadpour, Ahmed, Mehdi Rezaei, Latif Partovi and Rasool Sadeghi (۲۰۰۸). "Semantic reconstruction of family changes in a contextual way", *Family Research Magazine*, year ۵, No. ۱۹: p. ۳۰۹-۳۳۰.
۱۷. McPherson, D. (۲۰۱۵). "Homo religiosus: does spirituality have a place in neo-Aristotelian virtue ethics?". *Religious studies*, ۵۱(۳): p. ۳۳۵-۳۴۶.
۱۸. Mokhtari, Reza (۲۰۰۷). *The face of the sages*, Qom: Bostan Ketab Publications.
۱۹. Motahari, Mortaza (۲۰۱۰). collection of works, volume ۲۴, Tehran: Sadra.
۲۰. Mukherjee, S. Bhattacharjee, S. & Singha, S. (۲۰۱۶). "Workplace spirituality: A paradigm shift to ethics from business". *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM) e-ISSN: ۲۲۷۸-۴۸۷X, p-ISSN: p. ۲۳۱۹-۷۶۶۸*.
۲۱. Rodriguez-Rad, C. J. & Ramos Hidalgo, E. (۲۰۱۷). "Spirituality, consumer ethics, and sustainability: The mediating role of moral identity". *Journal of consumer marketing, (just-accepted)*, p. ۵۱-۶۳.
۲۲. Roof, W.C. (۲۰۰۳). "Religion and Spirituality: Toward an Integrated Analysis". in M. Dillon (ed.), *Handbook of the Sociology of Religion*, Cambridge: Cambridge University Press. p. ۱۳۷-۴۸.
۲۳. Rushton, C. H. (۲۰۱۶). "Moral resilience: A capacity for navigating moral distress in critical care". *AACN Advanced Critical Care*, ۲۷(۱): p. ۱۱۱-۱۱۹.
۲۴. Shariati, Ali (۲۰۰۵), *collection of works*. volume ۵. Tehran: Publication of Human Sciences Research and Development Institute.
۲۵. Sterne, Jonathan (۲۰۱۵). "What is an Intervention?". *Journal of Cultural Studies*, Vol. ۳۷: p. ۵-۱۴.
۲۶. Stryker, S. (۱۹۸۰). *Symbolic interactionism: A social structural version*. Menlo Park: Benjamin Cummings.
۲۷. Suib, F. H. & Said, M. F. (۲۰۱۷). "A review of Islamic work ethics and spirituality concepts in service industry". *Journal of Nusantara studies (JONUS)*, ۲(۲): p. ۲۸۲-۲۹۴.

۲۸. Zsolnai, L. (۲۰۱۰). *Ethics needs spirituality: In Spirituality and business*, Springer Berlin Heidelberg, p. ۸۷-۹۰.
۲۹. www.jamaran.news/fa/tiny/news-۸۶۷۰۲۲.